

آینه

جمهوری اسلامی

مسئله کردستان عراق را جدی بگیرید

● ... علت اینکه در این مقطع زمانی موضوع جدایی کردستان عراق مطرح و اجرایی شده این است که طراحان روی ضعف دولت سوریه به دلیل شرایط بحرانی آن کشور و روی درگیربودن ارتش عراق با داعش حساب ویژه‌ای باز کردند و به این نتیجه رسیدند که اکنون مناسب‌ترین زمان برای اجرای این طرح استعماری است و دولت‌های عراق و سوریه نمی‌توانند با این توطئه برخوردی جدی کنند. در چنین شرایطی، انتظار این بود که ترکیه و جمهوری اسلامی ایران با حساسیت کامل و در زمان مناسب وارد صحنه می‌شدند و با برنامه‌های حساب‌شده از اجرایی‌شدن توطئه همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان از عراق جلوگیری می‌کردند. متأسفانه چنین نشد و دستگاه‌های سیاست خارجی این دو کشور تلاش لازم را در این زمینه به عمل نیاوردند. این قصور نیز – که شاید به دلیل جدی‌نگرفتن موضوع بود – به اجرای طرح همه‌پرسی کمک کرد و اکنون منطقه با یک معضل جدید و البته جدی مواجه است...

تخت

همه‌پرسی استقلال؛ منازعه حقوقی متوقف در مناقشه سیاسی

● **یوسف مولایی:** .. اعلام استقلال یک منطقه، مشکل تازه‌ای پدید می‌آید و آن مسئله مرزهای داخلی است. برخلاف مرزهای بین‌المللی، مرزهای داخلی تعریف مشخصی ندارند. مرزهای بین‌المللی براساس حقوق بین‌الملل مشخص و دارای ثبات هستند و نمی‌توان آن را بدون توافق طرفین جابه‌جا کرد، اما در مورد مرزهای داخلی چه کسی می‌تواند تعیین کند که مرز کردستان عراق دقیقاً کجاست؟ بسیاری از مرزهایی که درحال‌حاضر در خاورمیانه به رسمیت شناخته‌شده است، همان مرزهای اداری است که در دوران استعمارزدایی از خاورمیانه، از سوی استعمارگران پیشین تعیین شده است و اکنون از نظر جامعه جهانی به رسمیت شناخته نمی‌شود. اما در مورد مرزهای منطقه کردستان، مشخص نیست که چه کسی با چه مدارکی می‌تواند مرزهای کردستان را مشخص کند. قطعاً چنین موضوع مناقشه‌انگیزی ممکن است در آینده باعث بی‌ثباتی و مشکلات عده‌ی‌های شود.

مهر

نقش دفاع مقدس در امنیت پایدار ایران

● **عباس حاجی‌نجاری:** ... یکی از دستاوردهای روشن دفاع مقدس ما، تأثیر مستقیم آن در تأمین امنیت پایدار برای کشور ایران در برابر تهدیدات مختلف نظامی، امنیتی و حتی سیاسی و اقتصادی دشمنان بود و سبب شد که در طول سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی، به رغم تشدید فشارها و تحریم‌ها و پیچیدتر و صریح‌تر‌شدن شکل تهدیدها قدرت بازدارندگی ایران که برگرفته از آموزه‌ها و تجربیات دفاع مقدس است همواره چراغ راه کشور در مواجهه با تهدیدات پیش‌رو باشد. براساس معیارهای مادی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران باید در همان ماه‌های اول جنگ به نفع رژیم بعثی عراق به پایان می‌رسید و دشمن یعنی می‌توانست به‌آسانی به اهداف اولیه خود برای جداسازی خوزستان دست یابد... اما تجلی مؤلفه‌های الهی و اسلامی و حضور مردم ایران در صحنه دفاع مقدس، دشمنان را ناکام گذاشت...

کیم

رفتار خودساخته سران فتنه با صحنه‌آرایی و تله‌گذاری حل نمی‌شود

● صحنه‌آرایی برای ممنوعیت‌زدایی از سران فتنه نمی‌تواند سابقه خیانت آنها را به فراموشی بسپارد. چند روز پیش برنامه وداع با یکپسر مرحوم آیت‌الله راستی‌کاشانی در حسینیه جماران برگزار شد که رؤسای صداوسیما و مجلس نیز در این مراسم شرکت کردند اما با تله‌گذاری برخی مرتبطان فتنه‌گران، آقایان علی عسکری و علی لاریجانی برای لحظاتی در کنار خاتمی نشستند که همین سوزه کانال‌ها و سایت‌های وابسته به فتنه‌گران شدند تا چنین القا کنند که حساسیت نظام نسبت به خط قرمز فتنه کاهش پیدا کرده است. این القای مودبانه درحالی است که رهبر معظم انقلاب بارها، به اعتبار حرمت‌شکنی و ظلم انجام گرفته در فتنه سال ۸۸ و ایراد اتهام خائنانه خیانت در امانت رأی مردم، تصریح کرده‌اند که فتنه خط قرمز نظام است...

ایران

● **علیرضا رجیمی:** .. منافع برخی به‌واسطه تحقیق و تفحص – از شهرداری – به خطر می‌افتاد و شهرداری هم نهایت تلاش را کرد تا این طرح به جای نرسد. اما همه‌اش این نبود. مثلاً حتی می‌شود به فرانکسیون امید هم در این زمینه خرده و ایراد گرفت که تمام‌قد و منسجم وارد ماجرا نشد. اعضای درخواست‌کننده تحقیق و تفحص و نمایندگان تهران انصافا هم عزم خوبی داشتند و هم هماهنگ بودند. منتها فرانکسیون امید نتوانست آن نگاه فراگیر را به این موضوع داشته باشد و طرح را تبدیل به دغدغه عمومی کند و این دغدغه بیشتر در بین همان درخواست‌کنندگان و نمایندگان تهران باقی ماند...

politics@sharghdaily.ir

سیاست

فیض‌الله عرب‌سرخی در گفت‌وگوبا «شرق» از روزگار دهه ۶۰ گفت تا اکنون

قصه‌های اوین



عباس، امیر عرب‌سرخی، شرف

مرجان توحیدی

فیض‌الله عرب‌سرخی از زندگی و زمانه‌اش که می‌گوید، بیشتر به عکسی که چندی پیش از او منتشر شده بود، نزدیک می‌شود؛ وقتی در منزل مرحوم شایانفر دست روی دست حسین شریعتمداری گذاشته بود برای تسلیت. پیش از آنکه خط‌کشی‌ها پررنگ شوند، با علی شایانفر یای ثابت مسجد حاج‌عبدالله بودند. بعد پای رفاقت با حسن شایانفر باز می‌شود، خالق ستون نیمه‌پنهان کیهان، علی به دلیل پیوستن به مجاهدین خلق بعد از انقلاب اعدام شد و رفاقت عرب‌سرخی باقی ماند با شایانفر و شریعتمداری که سلام‌وعلیکی داشتند. عرب‌سرخی در تمام طول مصاحبه هرگونه حضورش در نقش‌های اطلاعاتی دهه ۶۰ را رد می‌کند؛ حتی آن هنگام که سازمان مجاهدین انقلاب در شناسایی و دستگیری فرقان ایفای نقش می‌کرد یا به شکل‌گیری سپاه کمک می‌رساند و گاهی هم جلوتر از دولت برای فروکاستن از آتش درگیری‌ها به کردستان و سیستان و بلوچستان می‌رفت. عرب‌سرخی اگرچه در سپاه و واحد اطلاعات بوده، اما به گفته خودش، عضو تیم‌های اطلاعاتی نبوده و کارگزنیش و ساماندهی را انجام داده است.
بااین‌حال روایتی از حضورش در کنار تیم اطلاعاتی برای دستگیری بنی‌صدر را تعریف می‌کند، در شرایطی که بنی‌صدر همان روز گریخته بوده است. با عرب‌سرخی در این گفت‌وگو از کودکی آغاز کردیم تا رسیدیم به حضورش در گروه امت واحده و سازمان مجاهدین، حضور در مسجد علوی و دیدارش با بهزاد نبوی، اطلاعات سپاه، جبهه و جنگ و ارشاد زمان خدایی و ...

چرا؟ ارتباط خاصی بین شما برقرار شده بود؟

طبیعی بود که من به آقای نبوی خیلی علاقه داشته باشم. آقای نبوی هم نسبت به من یک محبتی پیدا کرده بود که این فرصت را برای من گذاشت. یا شب‌ها در حیاط مدرسه قدم می‌زدیم یا وقت خواب همان‌جا که می‌خواستیم بخوابیم صحبت می‌کردیم. بنابراین آقای نبوی عاملی شد که من رسماً وارد جمع امت واحده شدم. اگرچه از آن جمع تعدادی را از قبل می‌شناختم. یکی از آنها از بچه‌های مسجد حاج‌عبدالله بود و دیگری هم از رفقای علی بود.

آ فکر می‌کنم اختلاف سنی زیادی با سایر اعضای گروه داشتید؟

در امت واحده من از همه جوان‌تر بودم. اما در جمع سازمان یا افرادی که بعداً به سازمان پیوستند، ما، یعنی آقای آقاجری، تاج‌زاده و... چهره‌هایی بودیم که سن‌وسال‌مان کمابیش به هم نزدیک بود و آقای نبوی، سلامتی و نوروزی از ما مسن‌تر بودند.

آ خب اما از شما و همسین چهره‌ها به‌عنوان بنیان‌گذاران سازمان نام برده می‌شود، آیا واقعاً شما در حلقه اصلی تصمیم‌گیرنده برای الحاق گروه‌ها به یکدیگر بودید؟

خیر. من در حلقه بنیان‌گذار نبودم. این حلقه‌ای که از آن به‌عنوان بنیان‌گذار یاد می‌شود، جمعی از نمایندگان هفت گروه بودند. یعنی وقتی قرار بود از امت واحده کسانی به‌عنوان نماینده در جلسات الحاق حضور داشته باشند، طبیعتاً من نفر آخر بودم نسبت به چهره‌هایی که سابقه طولانی مبارزاتی داشتند، مثل آقای سلامتی و نبوی، نوروزی و قدیانی و اتفاقاً آقای مخملباف هم حضور داشت و بعدها دنبال کار سینما و هنر رفت.
بااین‌حال، آقای نبوی چند بار به من گفت در حلقه‌ای که شب‌ها برای ائتلاف بحث و جلسه می‌گذاشتند، حضور پیدا کنیم. من شاید چهار یا پنج جلسه آن حلقه را شرکت کردم، نه به‌عنوان اینکه نماینده امت واحده باشم، بلکه به‌دلیل دعوت آقای نبوی در آن جمع شرکت کردم. جمع امت واحده همگی از چهره‌های زندانی قبل از انقلاب و با سوابق مبارزاتی طولانی بودند. بعضی هم مثل آقای نبوی از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند که بعداً به‌دلیل اختلافاتی که بین آنها پدید آمد، از آن گروه جدا شده بودند.

آ چه مجاحی در جلسات ائتلاف ردوبدل می‌شد؟
حقیقت این است که به صورت دقیق به خاطر ندارم. اما یادم هست یکی از بحث‌های مطرح‌وه این بود که این‌ا ادغام چگونه صورت بگیرد. ضمن اینکه مباحث فکری هم مطرح بود. اینکه اختلافات و اشتراکات چیست. مثلاً این سؤال وجود داشت که آیا همه گروه‌ها به صورت یکپاره در هم ادغام شوند یا مدل دیگری از ادغام مطرح شده و این فرایند به‌تدریج صورت بگیرد. نهایتاً پذیرفته شد گروه‌ها به صورت فدراتیو در سازمان حضور داشته باشند. اما نمایندگان گروه‌ها شورای اداره‌کننده سازمان باشند. بنابراین در ابتدا هفت

در سازمان دوره آموزش نظامی ببینیم. یکی از اعضای توحیدی صف که از مبارزان قبل از انقلاب بود، به‌همراه یکی از استادان فلسطینی قرار بود به ما آموزش نظامی بدهد. محل اجرای این برنامه آموزشی و نظامی، زندان اوین انتخاب شده بود به دلیل اینکه اوین در آن مقطع زمانی خالی از زندانی بود، ما در محوطه اوین از صبح تا شب آموزش نظامی می‌دیدیم! در همین ایام، فرقان فعال شده و تعدادی ترور انجام داده بود. زندانی‌های فرقان را هم‌زمان با آموزش نظامی ما وارد اوین کردند. سازمان هم در دستگیری آنها همکاری داشت. آموزش نظامی حدوداً دو ماه به طول انجامید و آخر خرداد به تقاضای سپاه چند نفر از دوستان سازمان برای کمک به این نهاد معرفی شدند که از جمله آن افراد من بودم. از آخر خرداد ۵۸ به سپاه ملحق شدم.

آ کسی که از گروه توحیدی صف به شما آموزش می‌داد، چه کسی بود؟

مصطفی تحیری نام داشت که اخیراً شنیدم بیمار است و از خدا می‌خواهم که به او سلامتی کامل دهد. آقای مصطفی تحیری، از دوستان نظامی‌ای بود که قبل از انقلاب با گروه توحیدی صف کار می‌کرد. نظامی ورزیده و خبرهای بود. برنامه آموزش نظامی سازمان را ایشان سامان داده و برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کرد. [افراد دیگری هم] بودند؛ مثلاً دوست فلسطینی‌ای بود به نام وفا – البته اسم مستعار بود – او هم در تیم آموزشی فعالیت داشت و آموزش استفاده از اسلحه، مواد منفجره و کاربرد انواع بمب‌ها را برعهده داشت.

آ سازمان اصلاً شاخه نظامی داشت؟

اگر شما به اساننامه و مرامنامه سازمان اول مراجعه کنید، می‌بینید که سازمان خود را به‌عنوان یک تشکیلات چندبُعدی تعریف کرده است؛ سازمان سیاسی، عقیدتی و نظامی. حتی در آرم سازمان هم اسلحه وجود دارد. اگر دقیق‌تر بخواهیم درباره ماهیت سازمان سخن بگویم، شاید بکاربردن تعبیر حزب برای سازمان در آن مقطع کار درستی نباشد. در حقیقت سازمان به مرور تثبیت انقلاب، از یک تشکیلات صد‌صد حامی حکومت فاصله می‌گرفت و به یک حزب سیاسی که قصد داشت درون حکومت فعالیت کند تبدیل می‌شد. البته ما در همان وضعیت [غیرحزبی‌بودن سازمان] از تشکیلات استعفا داده و جدا شدیم.

آ چه افرادی در بخش آموزش نظامی بودند؟

تشکیلات سازمان تعریف‌شده بود؛ مثلاً یک‌سری در ارگان سیاسی بودند، یک عده در ارگان ایدئولوژی و عده‌ای هم کار تشکیلاتی می‌کردند، ما هم جزء نیروهای نظامی بودیم.

آ به‌غیر از شما چه افرادی در ارگان نظامی بودند؟
یادم هست که شهید بروجردی بود. یکی از دوستان زندان که قبل از انقلاب همفار بود به نام شاپورزاده هم بود. ما یک جمع حدوداً ۵۰ نفره بودیم. آموزش هنوز به پایان نرسیده بود که بنده، آقای بروجردی و آقای شاپورزاده به سپاه ملحق شدیم.

آ قبل از ورود به بحث سپاه، سازمان در ماجرای فرقان به شناسایی و دستگیری این گروه‌ک کمک کرد. در این خصوص هم اخیراً روایت آقای براتی را داشتیم. کمی راجع به این ماجرا توضیح دهید؛ چه افرادی در این کار مشارکت می‌کردند؟ و همکاری سازمان با نهادهای امنیتی در چه حدی بود؟

ببینید من در این جریان حضور نداشتم، بنابراین نمی‌دانم چه افرادی [در این ماجرا] دخیل بودند، اما باید تصور موجود در این رابطه را اصلاح کرد؛ بعضی‌ها فکر می‌کنند همکاری سازمان، به این مفهوم بود که سازمان دستگیر و بازجویی می‌کرد و... اما این‌طور نبود. کسانی برای این منظور انتخاب و معرفی شده و حکم گرفته بودند و این کار [شناسایی و دستگیری] را انجام می‌دادند. در حقیقت با مجوز دستگاه‌های مسئول این کار را انجام می‌دادند. من به ماجرای فرقان حضور نداشتم. البته یکی از زندانیان فرقان را در همان ایام در زندان دیدم.

آ در اوین؟

بله. در اوین. آن زمان به دلایلی فرقانی‌ها را جایی بیرون از ساختمان اصلی نگه می‌داشتند که از نظر حفاظتی و ساختمانی بسیار ضعیف بود. این فرد در حال فرار بود. و انمود می‌کرد که مشغول قهزدرن در محوطه زندان است و آرام‌آرام به در خروجی نزدیک شد. من از او پرسیدم که شما کجا می‌روید، گفت آمده‌ام محوطه را ببینم. شنیدم‌ام که اینجا تونل‌های مخوفی هست که ظاهر این‌طور هم نیست! گفتم حالا بایاید کمی صحبت کنیم، بعد بدستش را گرفتم و تحویل مسئولانی دادم که برای ماجرای فرقان آنجا حضور داشتند. بعداً فهمیدم این شخص آیتی بود. اما من در بازجویی، شناسایی و مراحل دیگر کار اصلاً حضور نداشتم. نه‌اینکه در این ماجرا نبودم، حتی پس از آن هم که وارد سپاه شدم هیچ‌وقت بازجو نبودم، اصلاً هیچ‌وقت در بخش اطلاعاتی، اعم از بخش جمع‌آوری [اطلاعات]، بازجویی و قسمت‌های دیگر نبودم.

آ شما نبودید، اما قاعداتی می‌دانستید که چه افرادی در حال همکاری هستند؛ چه بخش‌هایی از سازمان همکاری داشتند؟ و سطح همکاری چه بود؟ مثلاً یک روایت از آقای الویری است که پیش آیت‌الله هاشمی رفتند و ایشان هم گفتند که چند پیکان درباریه و بروید اینها را دستگیر کنید یا روایت آقای عطریانفر هم وجود دارد و در این روایت‌ها اشاره می‌کنند که بخشی از سازمان در ماجرای فرقان همکاری داشتند و ظاهر بخشی از کار هم دست آقای نقاشان – محافظ امام – بود. می‌خواهم بدانم از سازمان چه افرادی همکاری داشتند و دقیقاً چه‌کاری انجام می‌دادند؟

ادامه در صفحه ۷

بازتاب

پاسخ شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان به سفیر ایران در ونزولتا:

کارفرمای ونزولایی تعهداتش را نقض کرد

● شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان به مصاحبه روزنامه «شرق» با سفیر ایران در ونزولتا واکنش نشان داد و جوابیه‌ای به دفتر روزنامه ارسال کرده است. این مصاحبه در شماره ۲۹۶۰ روزنامه «شرق» به تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ با تیتَر «حساب و کتاب میراث احمدی‌نژاد از آمریکای لاتین» به چاپ رسیده است. در بخشی از جوابیه این شرکت آمده است «این شرکت به تعهداتش در ونزولتا عمل کرده ولی در طول اجرای کار با نقض تعهدات قراردادی از سوی کارفرما مواجه شده‌اند».

در گزارشی که هشتم مرداد ۹۶ در روزنامه «شرق» منتشر شده بود، یادآوری کرده بودیم که ادامه همکاری‌های این شرکت با ونزولتا با مشکلاتی مواجه شد و ادامه همکاری این شرکت با کاراکاس در حال مذاکره است. همچنین در ادامه پیگیری‌های خبرنگار «شرق»، در مصاحبه با سفیر ایران در ونزولتا، به وضعیت همه پروژه‌های مشترک ایران در ونزولتا پرداخته شد و وضعیت پروژه‌های شرکت خانه‌سازی ایرانیان هم در چند سؤال مورد بررسی قرار گرفت. شایان توجه است که مصاحبه‌کننده تلاش داشت تغییر قرارداد از سوی کارفرما را مورد انتقاد قرار دهد. متن جوابیه شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانین (سپاهی خاص) که به دفتر روزنامه ارسال شده، عیناً در ادامه منتشر می‌شود. «در مقدمه مصاحبه یادشده آمده است که این

گفت‌وگو با استفاده از اطلاعات کسب‌شده از منابع آگاه و شرکت‌های فعال در آن کشور تهیه شده است و آن‌طور که از تیتَر و مقدمه این گفت‌وگو برمی‌آید، فضای حاکم بر این گفت‌وگو انتقادی است. اصل این ایده که شفافیت، پاسخ‌گویی و انتقاد بجا از دولت‌مردان و شرکت‌های دست‌اندرکار فعالیت اقتصادی، که سفیران اقتصادی کشورمان در دنیا محسوب می‌شوند، نه‌تنها امری پسندیده، بلکه حیاتی و ضروری است. اما آن قسمت از مصاحبه یادشده که مربوط به پروژه شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان است، توأم با اشکالاتی است که شایع‌اند ناشی از بی‌توجهی یا کم‌اطلاعی نسبت به واقعیات موجود باشد.

اساساً این پرسش‌که: «... شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان نتوانست تعهداتش را به‌موقع تحویل دهد و...»، در کنار فضای کلی و انتقادی حاکم بر مصاحبه، به‌ناگزیر ذهن را به سمت متهم‌کردن شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان به نقض عهد عمدی می‌برد و خواه‌ناخواه طرح پرسش به این شکل از همان ابتدا انتقاد را متوجه این شرکت می‌کند؛ در حالی که آنچه واقعاً رخ داده، کاملاً برخلاف این پندار است. شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان طی قراردادی احداث شهرکی با هفت‌هزارو هشت واحد مسکونی و زیرساخت‌های این شهرک را، در کشور ونزولتا بر عهده داشت. این شرکت به تعهدات خود پایبند بوده و با جدیت به آنها اهتمام داشته به ترتیبی که بارها کارکرد این شرکت از نظر سرعت و کیفیت مورد تقدیر کارفرمای ونزولتایی قرار گرفته است. حتی در رسانه‌های آن کشور مکرر از عملکرد شرکت ایرانیان به‌ویژه در زمان حیات رئیس‌جمهور فقید آن کشور، هوگو چاوز، تقدیر شده است. در طول اجرای کار این شرکت با نقض تعهدات قراردادی از سوی کارفرما مواجه بود که برخی از مهم‌ترین آنها از جمله فرایند طولانی و فرساینده و پرداخت با تأخیر بخش عده‌ای از کارکردهای تأییدشده، تخلف صریح و آشکار در مابینى قرارداد با تغییر پرداخت از تصریح‌شده در قرارداد با پول محلی، عدم تأمین مصالحی که تأمین آن برعهده کارفرما بوده و تخلفات متعدد دیگر که ذکر آنها باعث تطویل نوشتار خواهد شد (شایان ذکر است تمامی این بدعده‌های و تخلفات از طرف کارفرمای ونزولتایی در زمان سفارت سفیر سابق ایران در ونزولتا قبل از حضور جناب آقای اعلائی انجام شده است). در حالی که تمامی این اطلاعات بارها، چه در نشست‌های مستقیم نمایندگان این شرکت با سفیر محترم و چه در مکاتبات فراوان با ایشان و سایر مکاران ایشان مطرح شده و قاعدتاً باید در این گفت‌وگو نکات یادشده مطرح می‌شد.

متأسفانه پاسخ آقای اعلائی که انتظار می‌رفت به عنوان سفیر ایران در ونزولتا آگاهی کافی از موضوع داشته باشد، نیز حکایت از کمی آگاهی یا دست‌کم نقض عهد و تلقی‌ای که، اما با توجه به جایگاه و موقعیت سفیر ایران در ونزولتا داشته باشد، جامع، کامل و گزارش‌های مستمّری که شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان به خود ایشان و مجموعه تحت مدیریتشان تحویل دادند، علی‌الاصول باید اطلاعات بسیار جامع‌تری نسبت به موضوع می‌داشت و پاسخی بسیار کامل‌تر و دقیق‌تر به این پرسش می‌داد و اساساً توضیح می‌داد که مشکل اصلی به دلیل نقض تعهدات قراردادی توسط کارفرمای ونزولتایی و عدم پرداخت مطالبات پیمانکار است. در ادامه و در پرسشی دیگر به نکته تغییر قانون اشاره شده و آمده است: «... اگر قانون کشوری تغییر کند، قرارداد به همان سیاق قبل اجرا نمی‌شود»

ادامه در صفحه ۷